



• فصلنامه علمی تخصصی مدیریت پیشرفت، دوره اول، شماره اول، پاییز ۱۳۹۵

بررسی و تحلیل تطبیقی الگوی مدیریت سیاسی شهرها در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه (نمونه موردی: ایران و فرانسه)

محمدباقر قالیباف

استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

mghalibaf@ut.ac.ir

یاشار زکی

استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

Yzaki@ut.ac.ir

مرتضی رضوی نژاد

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

razavinezhad@ut.ac.ir

سلمان آل حسن قزوینی

salman.alehasan@gmail.com

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت شهری دانشگاه تهران

چکیده:

با گسترش روزافزون شهرنشینی در سال های اخیر یافتن یک مدل مناسب با استفاده از تجربیات دیگر کشورها در عرصه ی مدیریت سیاسی شهرها راهکاری برای تجربه اندوزی است. بررسی تفاوت های نوع نگاه به مسائل مدیریت شهری و مدیریت محلی که در قالب تقسیمات کشوری و سازماندهی سیاسی فضا بروز و ظهور پیدا می کند و همچنین یافتن نوع و سطح اختیارات در مدیریت سیاسی در دو کشور ایران و فرانسه به عنوان دو کشور با نظام متمرکز نشان داد که نوع نظام حاکم می تواند حداقل تاثیر گذاری را در واگذاری امور به صورت ذاتی در سطح محلی داشته باشد. و می توان با یک نگاه متمرکز اما با سازماندهی مناسب ساختار سیاسی فضایی کشور واحدهای محلی را فعال، تصمیم ساز و تصمیم گیر نمود. علاوه براین موارد این پژوهش نشان داد حوزه ی اختیارات تصمیم گیرندگان در صورتی که ذاتی باشد می تواند تاثیر گذاری مفیدی در امور محلی داشته باشد زیرا در این صورت است که باید مردم و ذینفعان نیز در تصمیم گیری ها مشارکت کنند. و در واقع مدیریت امور محلی رخ خواهد داد. در نهایت نیز مشخص شد فرآیند مدیریت سیاسی شهرها و امور محلی در فرانسه از پایین به بالا و در ایران از بالا به پایین است.

واژگان کلیدی: مدیریت سیاسی شهرها- مدیریت امور محلی - ایران - فرانسه



مقدمه:

رشد شتابان شهرنشینی و شهرگرایی در سال های اخیر در جهان، اداره و مدیریت شهرها را با مشکلات جدی روبرو ساخته است. مسائل اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و فرهنگی و سیاسی در شهرها، بر پیچیدگی موضوع افزوده است به همین سبب و با توجه به شرایط خاص در بسیاری از شهرها شیوه مناسب مدیریت سیاسی شهری می تواند ضمن اداره شهرها به تدریج از حجم مشکلات کم نماید و شرایط بهتری را برای یک زندگی شهری فراهم نمایند. از این رو بررسی مدل های موفق مدیریت شهری و مقایسه آن با وضع موجود کشور می تواند یکی از راه هایی باشد که افق های جدیدی در برابر مدیران شهری و تصمیم گیرندگان آن فراهم آورد. افزایش جمعیت در شهرهای بزرگ از یک طرف و نارسایی مدیریت سیاسی شهرها در پاسخگویی به نیاز شهروندان از سوی دیگر، کاهش عدالت فضایی شهری را در پی داشته دارد و می تواند در آینده سبب مشکلاتی بیش از پیش گردد. از این رو باید با مقایسه و استفاده از تجربیات دیگر کشورها در این حوزه نقاط ضعف و قوت مدیریت سیاسی شهرها را احصا نمود و آن ها در جهت استفاده در اختیار تصمیم گیران قرار داد.

بیان مساله:

ترکیب مدیریت، شهر و سیاست، مفهوم سازماندهی به امور مربوط به برنامه ریزی، ساماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل، در محدوده شهر را تداعی می نماید. مفهومی که در کشورهای مختلف به دلیل ساختارهای سیاسی و رویکردهای اقتصادی، نهادهای متفاوتی را با الگوهای متفاوتی در خود درگیر دارد. و از این رهگذر هر کدام از این ساختارها سعی نموده است که بهترین عملکرد را داشته باشند. عملکردهای مختلف علاوه بر متاثر بودن از نظام ساختاری حکومت ها به عوامل بسیاری از جمله سابقه تاریخی نوع مدیریت، شرایط سیاسی و اجتماعی جوامع و نوع نگاه مدیران ارشد در قوه مقننه و قوه مجریه این جریان به سمت و سوی خاص خواهد برد. کشور ایران در حوزه قوانین مدنی به دلایل گوناگون از فرانسه الگوبرداری های زیادی انجام داده است و تا حدی نیز در این حوزه توانسته با بومی سازی آن ها با شرایط کشور از تجربه این کشور بهره ببرد. در حوزه مدیریت سیاسی شهرها نیز به علت نزدیک بودن ساختار نظام کشور ایران با فرانسه که هر دو از نوع متمرکز هستند می تواند زمینه ساز توسعه مباحث مدیریت سیاسی شهرها باشد. بررسی ویژگی های هر کدام از نظام های مدیریت شهری در این دو کشور می تواند ابعاد نهفته و خلاء های موجود در این حوزه را پوشش دهد.

سوالات تحقیق:

سوال اصلی تحقیق:

مهمترین تفاوت های شیوه مدیریت سیاسی شهرها در ایران و فرانسه کدام اند؟

سوال فرعی تحقیق:

نظام متمرکز حکوت در کشورها تا چه میزان مدیریت سیاسی شهرها را تحت تاثیر قرار داده است؟

اختیارات در تصمیم گیری در مدیریت سیاسی شهرها در ایران و فرانسه چگونه است؟



فرضیه های تحقیق:

فرضیه اول: به نظر می رسد مهمترین تفاوت در مدیریت سیاسی شهرهای ایران و فرانسه در نوع اختیارات ذاتی و همچنین شیوه مشارکت مردم برای اداره شهر می باشد.

فرضیه دوم: در ایران مدیریت سیاسی شهرها به شدت متأثر از نظام متمرکز حکومت و در فرانسه تا حد کمی متأثر از نظام متمرکز کشور است.

فرضیه سوم: تصمیم گیری ها و اختیارات ذاتی در حوزه مدیریت سیاسی شهر در فرانسه بسیار گسترش یافته و محلی است اما در ایران اختیارات تفیضی و محدود و متمرکز است.

روش تحقیق:

پژوهش پیش رو از نوع تحقیقات کاربردی محسوب می شود زیرا و مستقیماً متوجه مساله ای در حوزه مدیریت سیاسی شهرها و مقایسه آن ها با یکدیگر در راستای بهبود وضعیت مدیریتی در شهرها می باشد. با استفاده از منابع کتابخانه ای و اسنادی در دانشگاه ها و اینترنت به گردآوری آوری داده پرداخته شده و به منظور آزمون فرضیه ها و تجزیه و تحلیل آن ها از روش توصیفی استفاده و به بررسی جنبه های گوناگون مدیریت سیاسی در شهرهای ایران و فرانسه پرداخته شده است.

چهارچوب مفهومی و نظری:

تعریف مدیریت:

در کتاب های علمی، تعاریف گوناگونی در مورد مدیریت وجود دارد، "هنری فایول" می گوید مدیریت عبارت است از علم و هنر رهبری، کنترل و هماهنگ کردن فعالیتهای جمعی به منظور رسیدن به هدف مطلوب سازمان با حداکثر کارایی. (نجاتی حسینی، ۱۳۸۱: ۱۰۴)

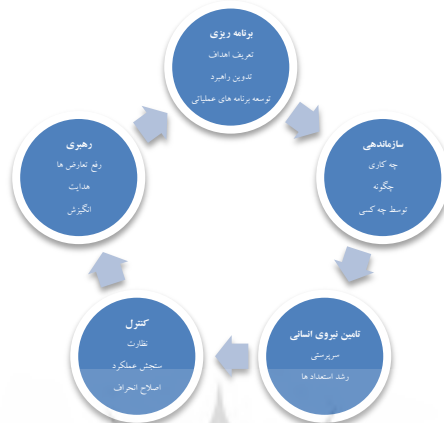
اگر چه مدیریت به شکل های مختلف تعریف شده است، اما با نگاهی دقیق به این تعاریف، مشخص می شود که منظور اصلی همه ی آنها این نکته بوده است که، مدیریت روش دستیابی به اهدافی می باشد که برای سازمان در نظر گرفته شده است؛ لیکن برای ارائه تعریف جامع می توان گفت که مدیریت به " کار کردن با افراد و گروهها برای رسیدن به مقاصد سازمان " گفته می شود. وظایفی که بر عهده ی مدیر گذاشته شده است عبارتند از: برنامه ریزی، سازماندهی، نظارت و انگیزش. این وظایف با هم مرتبط اند و تفاوتی ندارد که در چه سازمان یا در چه سطح مدیریتی مطرح شوند (سعیدنیا، ۱۳۷۹: ۲۹).

در تعاریف مذکور پنج قضیه اساسی ذیل را که زیربنای مفاهیم کلی نظری و عملی مدیریت است، در بر گرفته است:

- مدیریت یک فرآیند است.
- مفهوم نهفته مدیریت، هدایت تشکیلات انسانی است.
- مدیریت موثر، تصمیمهای مناسبی می گیرد و به نتایج مطلوبی دست می یابد.
- مدیریت کارآ، به تخصیص و مصرف مدبرانه منابع می گویند.
- مدیریت بر فعالیت های هدفدار تمرکز دارد. (رهنما و توانگر، ۱۳۸۷: ۱)



همچنین در تقسیم بندی دیگر، رضویان ویژگی های مشترکی که در تعاریف متعدد از مدیریت به آنها اشاره شده، را شامل چهار ویژگی مهم که اصطلاحاً از آنها به عنوان پنج عمل اصلی مدیریت یاد می کند.



(رابینز، ۱۳۷۹، ص ۲۱) و (سعیدنیا، ۱۳۷۹، ص ۲۰)

مدیریت سیاسی شهرها:

اصطلاح مدیریت سیاسی شهر از تنوع مفهومی گسترده ای برخوردار است و تاکنون تعریف مشخص و ثابتی در رابطه با مدیریت سیاسی شهری ارائه نشده است علت این امر مربوط به نحوه اداره شهرها، جدید بودن این مفهوم و میان رشته ای بودن آن است که ارائه و تعاریف متعددی را در علوم مختلف (جامعه شناسی، جغرافیا، اقتصاد و ...) در پی داشته است. به همین دلیل مدیریت سیاسی شهرها دارای تنوع مفهومی در پهنه جغرافیایی کشورهای مختلف است (یوسف پور، ۱۳۹۰: ۱۱).

برای تعریف تخصصی و جامع از مدیریت سیاسی شهرها می توان از تعریف زیر بهره برد که: «مدیریت شهری به عنوان چارچوب سازمانی توسعه شهر، به سیاست ها، برنامه ها، طرح ها، و عملیاتی اطلاق می شود که بتواند رشد جمعیت را با دسترسی به زیر ساخت های اساسی؛ مانند مسکن و اشتغال مطابقت دهند. این مدیریت شهری وابستگی مشخص به عواملی از قبیل ثبات سیاسی، یکپارچگی اجتماعی، رونق اقتصادی و نیز عوامل دیگری از قبیل مهارت و انگیزه های سیاستمداران و اشخاص استفاده کننده از این طرح ها دارد. تحت این شرایط، چارچوب ویژگی های سازمانی حکومت و مدیریت شهری، به ویژه نقش اجرایی بخش دولتی و عمومی در آن تأثیر بسیار تعیین کننده ای در موفقیت آن ایفا می کند.» (رضویان، ۱۳۸۱: ۵۰)

با توجه به تعریف ارائه شده می توان مدیریت شهری را در چارچوب نگرش سیستمی به عنوان نظامی که از مجموعه ای از عناصر و اجزاء بهم پیوسته که دارای روابط تعاملی با یکدیگر هستند تعریف نمود. این نظام با اهداف پاسخ گویی به نیازهای شهروندان، کنترل و هدایت شهر و در نهایت نیل به مدیریت سیاسی یکپارچه شهری پایدار با اتخاذ و اجرای تدابیر، برنامه ها و سیاست های مشخص به تجهیز منابع و امکانات شهر می پردازد (یوسف پور، ۱۳۹۰: ۱۳)



با این وجود « امروزه اصطلاحاتی نظیر مدیریت شهرداری^۱، مدیریت شهری^۲ و مدیریت حکومت محلی^۳ معمولاً به جای یکدیگر به کار برده می شوند حال آنکه مدیریت سیاسی شهر می تواند زیرمجموعه ای از حکومت محلی تعریف شود (سعیدنیا، ۱۳۷۹: ۲۲). در ایران بر مبنای دیدگاهی که مدیریت شهری مساوی با شهرداری فرض می شود، مدیریت سیاسی شهر عبارت است از: « اداره شهر در سازمانی غیردولتی که برای برآورده کردن نیازهای مشترک شهروندان در سطح شهر، از طرف آنان و مطابق با قانون تأسیس می گردد و در محدوده ای که قانون برای آن ها مشخص کرده است موضوعات گوناگون شهرها، از جمله فرهنگی، اقتصادی، خدمات شهری، عمرانی و مالی را مدیریت می کنند...»

وظایف مدیریت سیاسی شهری در نظام نوین شهری

روند پیشرفت شهرها در دوران فتودالی که توسط خانواده های زمین دار بنیان نهاده می شد ولی در سازمان بندی آنها از ویژگیهای سنتی تبعیت نمی شد. این شهرها، آزادی های فردی کارگران را تضمین می کرد، دارای حکومت خود مختار بوده و توسط یک کلاتر اداره می شدند که تقریباً همیشه از سوی مردم برگزیده می شد. همچنین این شهرها به رغم آنکه از لحاظ سیاسی و قضایی تابع قوانین فتودالی باقی می ماندند، ولی از سازمان بندی شهری دولت - شهر تقلید می کردند» (لئوناردوینه، ۱۳۶۹: ۴۳). « تجربه دولت - شهرهای یونانی که برای شهرهای سده های میانه اروپا به میراث مانده بود به همراه شهرهای جدیدی که دارای حکومت مستقل و خودمختار بوده و مدیر شهر منتخب ساکنان آن بود، زیربنای مدیریت شهری امروز اروپا و در مجموع کشورهای شمال را تشکیل می دهند. به عبارت دیگر شیوه کنونی مدیریت سیاسی شهری در این کشورها که بر استقلال حکومت محلی و رای مردم مبتنی است ریشه ای چند صد ساله دارد.» (وبر، ۱۳۶۹: ۱۴۵) لذا با توجه به تحولات تاریخی می توان گفت تحول در مدیریت سیاسی شهرها و اتخاذ مدیریت نوین، عبارت است از: اداره امور شهری به منظور رشد پایدار مناطق شهری در سطح محلی با اختیارات مشخص و کافی. این روش نوین و مدیریت سیاسی شهری را می توان بخش ناگسستنی از مسئله تمرکز زدایی در سال های اخیر دانست (رضویان، ۱۳۸۱: ۴۶).

مدیریت نوین شهری بیشتر بر برنامه ریزی و مدیریت استراتژیک تاکید دارد. در برنامه ریزی استراتژیک برای ایفای نقش مدیریت شهری، ایجاد ساختار تشکیلاتی غیرمتمرکز برای سازمان ها و حکومت های محلی امری ضروری است. این نقش نوین، توسعه منابع جدید، آموزش، تعلیم و وحدت تفکر بین دولت های محلی و حکومت مرکزی را می طلبد. مدیریت سیاسی جدید شهری تنها به معنای تهیه فهرستی از وظایف و فعالیت ها برای مدیران نیست بلکه به معنای مدیریت با پویایی بیشتر، خودکفایی موثر و فعال تر سیاسی و اجرایی است. به جای وابستگی شهرداری ها به دولت مرکزی، خودکفایی مالی، فنی و سیاسی آنها را می خواهد و از این رو بر اساس اصول تمرکز زدایی و توانایی شهرداریها برای اجرای برنامه های استراتژیک و مدیریت آنها، شهرداری را آخرین تصمیم گیرنده در امور شهری می داند (رضویان، ۱۳۸۱: ۶۰).

^۱ Municipal Management

^۲ Urban Management

^۳ Local Government Management



مدیریت سیاسی مطلوب شهری

«مفهوم حکومت مطلوب شهری به مجموعه پیچیده‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، فرایندها و سازمان‌هایی که در اداره شهر دخیل‌اند مربوط می‌شود. هدف حکومت مطلوب شهری کارآیی اقتصادی، افزایش عدالت اجتماعی، سیاست‌های پایدار شهری و نهایتاً ایجاد شرایط مطلوب زندگی برای تمامی شهروندان بخصوص فقیران شهری می‌باشد.

نظام‌های «حکومت شهری» مبتنی بر فرآیندهای درست، شفاف و مسئولیت‌پذیر، در جامعیت شهر تاثیر فراوان دارند. توجهی که اخیراً به اداره امور نواحی شهری می‌شود ناشی از یک عنایت کلی به «حکومت خوب» به عنوان یک امر توسعه‌ای است. در حکومت شهری خوب؛ تنها مسئله مدیریت کارآمد مطرح نیست، بلکه کیفیت مشارکت سیاسی شهری در ساختارهای تصمیم‌گیری نیز مهم است. بنابراین مشارکت و حقوق انسان مسائل بسیار حایز اهمیت در حکومت خوب شهری هستند» (تیلور، ۸۰: ۱۹-۱۸).

حکومت‌های شهری در کشورهای مختلف، متأثر از نوع نظام حاکم بر آن کشور می‌باشند. بر این اساس حکومت شهری در عرصه کشورها، گونه‌های متفاوتی را عرضه می‌دارد که در ادامه به شرح مختصری در مورد انواع حکومت شهری پرداخته شده است.

انواع حکومت شهری

در حال حاضر، چهارنوع حکومت شهری در جهان مشاهده می‌شود و عموماً هر کدام از کشورها به منظور اداره امور شهرها یکی از سیستم‌ها را برگزیده‌اند (طاهرخانی، ۱۳۸۱: ۶۶):

۱) سیستم غیرمتمرکز در نظامهای فدرالی (سیستم فدرالی)^۴: این سیستم در کشورهایی از قبیل، ایالات متحده آمریکا، آلمان و هند مشاهده می‌شود.

۲- سیستم غیرمتمرکز در نظامهای متمرکز (سیستم بریتانیایی)^۵: این سیستم در کشورهایی از قبیل، انگلستان، استرالیا، کانادا، ژاپن و کشورهای اسکاندیناوی مشاهده می‌شود.

۳. سیستم نظارتی فرانسوی (سیستم ناپلئونی)^۶: این سیستم در بخش وسیعی از جهان- به خصوص کمتر توسعه یافته- مشاهده می‌گردد. از جمله: کشورهای فرانسوی آمریکای لاتین و کشورهای آسیایی و فرانسه.

۴- مدیریت شورایی یک پارچه: این نوع مدیریت در شوروی سابق جریان داشت و انواع شوراها تمامی امور کشور را برعهده داشتند؛ البته در عمل از این الگو تخطی شد و مسائل و مشکلات عدیده‌ای ظهور کرد (پیران، ۱۳۸۱: ۱۳).

^۴ The decentralized system found in federal constiutions

^۵ The decentralized system found in unitary donsitutions

^۶ The Supervisory system found under the – napolenic" or frenech-typ



یافته های تحقیق:

مدیریت سیاسی شهرها در ایران:

شوراهای شهر و شهرداری ها به عنوان مهم ترین ارکان مدیریت سیاسی در شهرهای ایران

شورای اسلامی شهر در ایران:

عالی ترین نهاد برای تجلی حضور شهروندان در اداره امور شهر، شورا است. شوراها از نخستین نهادهای اجتماعی هستند که همکاری جامعه بشری برای یک هدف مشترک از دلایل عمده شکل گیری آن بوده است. در حال حاضر شورای شهر مهم ترین رکن مدیریت شهری در اکثر کشورهای دنیا می باشد. ایجاد و شکل گیری شوراهای شهر بسترهای لازم برای مشارکت مردمی در مدیریت و تصمیم گیری شهری را فراهم می آورد.

شورای اسلامی شهر به عنوان مهم ترین نهاد محلی منتخب در اداره امور شهر می باشند. این شورا سازمانی است محلی با شخصیت حقوقی مستقل که به صورت جمعی مدیریت بر شهر را به دو شکل نظارت و تصمیم گیری اعمال می کند. شوراهای اسلامی شخصیت حقوقی و جزایی از دولت و شهرداری دارد (کامروا، ۱۳۸۵: ۶۳). طبق قانون اساسی و قانون شوراهای اسلامی، نقش اصلی در مدیریت شهری بر عهده شوراهای اسلامی شهر - که نمایندگان از طرف مردم انتخاب شده اند و تعیین کننده شهردار می باشند، گذاشته شده است. همه برنامه ها و تصمیم های شهرداری باید با هماهنگی و نظارت این شوراها انجام پذیرد. طبق قانون شوراهای اسلامی، شورای شهر به منظور پیش برد برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و دیگر امور رفاهی با همکاری مردم و نظارت بر امور شهر تشکیل می شود. مدت فعالیت اعضای شوراها چهار سال و تعداد اعضاء بر حسب جمعیت شهر متغیر می باشد (سعید نیا، ۱۳۷۹: ۶۹).

هدف از تشکیل شورای اسلامی شهر در ایران:

اجرای سیاست عدم تمرکز، سپردن کارهای عمرانی، اقتصادی و رفاهی به خود مردم، سرعت بخشیدن به جریان امور، رفع تبعیض، نظارت اجتماعی، تکمیل کار دستگاه های دولتی، هدایت و رهبری برنامه های محلی، آگاه سازی مردم، بالا بردن توان دولت (فیضی، ۱۳۷۴: ۱۵۶). در نهایت هدف کلان از ایجاد شوراهای اسلامی شهر در ایران دستیابی به نظام مدیریتی مردم سالار و شهروند مدار است.

وظایف شوراهای اسلامی شهر

قانون تشکیلات شورای اسلامی، حدود و وظایف و اختیارات شوراها را تعیین کرده است. بر اساس آخرین تغییراتی که بر روی قانون شوراها بعمل آمده است، وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی شهر در ۳۴ ماده و ۹ تبصره به اختصار عبارت است از:

سیاست گذاری، قانون گذاری، برنامه ریزی و نظارت

انتخاب شهردار به مدت چهار سال؛

بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسایی های حوزه انتخابیه و تهیه طرح ها و پیشنهادهای اصلاحی و راه حل های کاربردی

جهت برنامه ریزی و ارائه آن به مقامات مسئول ذی ربط؛



نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورا و طرح‌های مصوب در امور شهرداری و سایر سازمان‌های خدماتی در صورتی که این نظارت محل جریان عادی امور نگردد؛

همکاری با مسئولان اجرایی، نهادها و سازمان‌های مملکتی در زمینه‌های مختلف بنا به درخواست آنان؛
تشویق و ترغیب مردم در خصوص گسترش مراکز تفریحی، ورزشی و فرهنگی با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط؛
برنامه ریزی در خصوص مشارکت مردم در انجام خدمات مختلف با موافقت دستگاه‌های ذی‌ربط.

امور سازمانی، تشکیلاتی و مالی

تصویب آیین‌نامه‌های پیشنهادی شهرداری پس از رسیدگی و با رعایت دستورالعمل‌های وزارت کشور؛
تصویب اساسنامه مؤسسات و شرکت‌های وابسته به شهرداری با تایید و موافقت وزارت کشور؛
نظارت بر حسن اداره و حفظ سرمایه و دارایی‌های نقدی، جنسی و اموال منقول و غیر منقول شهرداری و همچنین نظارت بر حساب درآمد و هزینه آن‌ها به گونه‌ای که محل جریان عادی امور شهرداری نباشد؛
تایید صورت جامع درآمد و هزینه شهرداری که هر شش ماه یکبار توسط شهرداری تهیه می‌شود و انتشار آن برای اطلاع عموم و ارسال نسخه‌ای از آن برای وزارت کشور؛

تصویب بودجه، اصلاح و متمم بودجه سالانه شهرداری و مؤسسات و شرکت‌های وابسته به شهرداری با رعایت آیین‌نامه‌های مالی شهرداری‌ها و همچنین تصویب بودجه شورای شهر؛

تصویب وام‌های پیشنهادی شهرداری پس از بررسی دقیق نسبت به مبلغ، مدت و میزان کارمزد؛
تصویب معاملات و نظارت بر آن‌ها اعم از خرید، فروش، مقاطعه، اجاره و استیجاری که بنام شهر و شهرداری صورت می‌پذیرد.

امور فنی و عمرانی

همکاری با شهرداری جهت تصویب طرح حدود شهر با رعایت طرح‌های هادی و جامع شهرسازی پس از تهیه آن توسط شهرداری با تایید وزارت کشور و وزارت مسکن و شهرسازی؛

تصویب مقررات لازم جهت اراضی غیر محصور شهری از نظر بهداشت، آسایش عمومی، عمران و زیبایی؛
وضع مقررات و نظارت بر حفر مجاری و مسیرهای تأسیسات شهری؛

نظارت بر اجرای طرح‌های مربوط به ایجاد و توسعه معابر و خیابان‌ها، میدین، فضاهای سبز و تأسیسات عمومی شهر بر طبق مقررات موضوعه.

امور خدماتی

نظارت بر امور بهداشت حوزه شهر؛

نظارت بر امور تماشاخانه‌ها، سینماها و دیگر اماکن عمومی و وضع و تدوین مقررات خاص برای این اماکن؛

نظارت بر ایجاد گورستان، غسلخانه و تهیه وسایل حمل اموات؛

تصویب نام‌گذاری معابر، میدین، خیابان‌ها، کوچه و کوی در حوزه شهری و همچنین تغییر نام آن‌ها؛

تصویب مقررات لازم به پیشنهاد شورای شهر جهت نوشتن هر نوع مطلب و یا الحاق هر نوع نوشته و آگهی و تابلو بر روی دیوارهای شهر با رعایت مقررات موضوعه و انتشار آن برای اطلاع عموم.



تصویب نرخ خدمات ارائه شده توسط شهرداری و سازمانهای وابسته به آن با رعایت آیین نامه مالی و معاملات شهرداری های وزارت کشور.

تصویب نرخ کرایه وسایل نقلیه درون شهری.

وضع مقررات مربوط به ایجاد و اداره میدان های عمومی توسط شهرداری برای خرید و فروش مایحتاج عمومی با رعایت مقررات موضوعه

وضع مقررات لازم در مورد تشریک مساعی شهرداری با ادارات و بنگاههای ذیربط برای دایر کردن نمایشگاههای کشاورزی، هنری، بازرگانی و غیره.

نظارت بر حسن اداره امور مالی شهرداری و کلیه سازمانها، موسسات، شرکتهای وابسته و تابعه شهرداری و حفظ سرمایه، دارایی ها، اموال عمومی و اختصاصی شهرداری، و همچنین نظارت بر حساب درآمد و هزینه آنها با انتخاب حسابرس رسمی و اعلام موارد نقض و تخلف به شهردار و پیگیری های لازم بر اساس مقررات قانونی

شورا موظف است در پایان هر سال مالی صورت بودجه و هزینه خود را جهت اطلاع عموم منتشر نماید و نسخه ای از آن را جهت بررسی به شورای شهرستان و استان ارسال کند.

واحدهای شهرستانی کلیه سازمانها و موسسات دولتی و موسسات عمومی غیر دولتی که در زمینه ارائه خدمات شهری وظایفی را بر عهده دارند، موظفند برنامه سالانه خود را در خصوص خدمات شهری که در چهارچوب اعتبارات و بودجه سالانه خود تنظیم شده به شورا ارائه نمایند.

همکاری با شورای تأمین شهرستان در حدود قوانین و مقررات

بررسی و تأیید طرحهای هادی و جامع شهرسازی و تفصیلی و حریم و محدوده قانونی شهرها پس از ارائه آن توسط شهرداری و ارسال به مراجع ذی ربط قانونی جهت تصویب نهایی (وب سایت رسمی وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران:

<http://www.moi.ir>)

همچنین شورای شهر به منظور ایفای بهتر وظایف و اختیارات خود و نظارت موثر بر اعمال مدیریت واحدهای شهری می تواند شوراهای محله و منطقه را تشکیل داده و بخشی از اختیارات و وظایف خود را به آنها تفویض نماید (رجب دوست، ۱۳۸۶: ۶۴)

وظایف شهرداری ها:

ابتدا باید گفت که در تشکیل شهرداری ها اصولاً این اصل مورد نظر است که مردم هر محل بهتر از مراکز حکومتی دوردست می توانند احتیاجات خود را تشخیص داده اولویت ها را تعیین نمایند و برای رفع آن ها اقدام کنند. فلسفه وجودی شهرداری اساساً جهت اجرای مدیریت شهری و ارائه خدمات و رفع حوائج و مشکلات شهروندان می باشد (ایمانی، ۱۳۷۵: ۱۱). لذا از زمان پیدایش شهرها، وظیفه تأمین نیازمندی های عمومی شهر بر عهده مدیریت شهری قرار گرفت. این وظایف، پایه اولیه تشکیل شهرداری ها شدند. در آن زمان هدف از بنیان شهرداری، انجام وظایف خدماتی مانند تلاش در راه ایمنی شهر، تأمین آب آشامیدنی، ایجاد نوانخانه ها و پرورشگاه ها بود. در دوران معاصر وظایفی مانند تأمین برق و گاز، ایجاد کتابخانه، برپایی نمایشگاه های بازرگانی و هنری و تسهیلات فرهنگی نیز به این وظایف افزوده شده است (سعیدینیا، ۱۳۷۹: ۲۳). شهرداری ها اکنون عرصه فعالیت هایشان چندان وسیع شده است که تقریباً تمام عواملی که برای زندگی شهری و رفاه شهروندان لازم است را شامل می شود. البته وسعت عرصه وظایف و



مسئولیت‌های شهرداری‌ها و عوامل سازنده این وظایف و مسئولیت‌ها، از شهری به شهر دیگر و از کشوری به کشور دیگر تفاوت می‌کند (مزینی، ۱۳۷۵: ۱۵۱).

مأخذ: (سعیدی رضوانی و کاظمیان، ۱۳۸۰: ۹۹-۸۵) و (سعیدنیا، ۱۳۷۹: ۳۵-۳۴)

جدول شماره ۱ بررسی وظایف شهرداری در ایران

| | |
|---|-----------------------------|
| <p>ایجاد خیابان‌ها و کوچه‌ها- ایجاد میدان‌ها و باغ‌های عمومی- ایجاد و نگهداری مجاری آب‌ها- توسعه معابر نگهداری، تسطیح و آسفالت معابر- نگهداری فاضلاب- نگهداری انبارهای عمومی- تنقیه قنوات مربوط به شهر- ایجاد غسلخانه و گورستان- اتخاذ تدابیر برای حفظ شهر از سیل و آتش سوزی تعیین میدان‌های عمومی برای خرید و فروش- تعیین میدان‌های عمومی جهت پارک خودروها- ایجاد باغ کودکان- ایجاد ورزشگاه- ساخت خانه‌های ارزان قیمت- ساخت و اداره ترمینال‌های مسافری- تاسیس و اداره سازمان اتوبوس‌رانی- انجام اقدامات مختلف برای حفاظت و زیبای شهر</p> | <p>وظایف عمرانی</p> |
| <p>مقابله با سد معبر- نصب برچسب قیمت- جلوگیری از فروش اجناس فاسد- مراقبت نسبت به ارزانی و فراوانی خوار و بار- نظارت و مراقبت در دسترسی اوزان و مقیاس‌ها- اتخاذ تدابیر حفظ شهر از سیل و آتش‌سوزی- رفع خطر از بناها- تهیه مقررات صنفی- نظارت بر اداره فروش گوشت و نان- حفظ آثار ابنیه باستانی- صدور پروانه ساختمان</p> | <p>وظایف نظارتی</p> |
| <p>نظافت مجاری آب‌ها- نظافت معابر- نظافت انبارهای عمومی- تعیین محله‌ای مخصوص دفع زباله- جلوگیری از فروش اجناس فاسد- مراقبت در امور بهداشت- جلوگیری از شیوع بیماری‌ها- نظارت بر امور بهداشتی اصناف و پیشه‌وران- جلوگیری از ایجاد صنایع مزاحم- ایجاد رخت‌شوی خانه- ایجاد سرویس‌های بهداشتی عمومی- ایجاد حمام عمومی- نظارت بر شرایط بهداشتی در کارخانه‌ها- نظارت بر پاکیزگی گرمابه‌ها</p> | <p>وظایف بهداشتی</p> |
| <p>تأمین آب- تأمین روشنایی- شماره‌گذاری اماکن- وضع مقررات برای نام‌گذاری معابر و نصب لوله- اقدامات مختلف برای نظافت و زیبای شهر- نصب تابلوی اعلانات</p> | <p>خدمات عمومی</p> |
| <p>تاسیس پرورشگاه- تاسیس مراکز درمانی- تاسیس کتابخانه- تاسیس نوانخانه- ایجاد کلاس‌های مبارزه با بی‌سوادی- نگهداری کودکان بی سرپرست- تهیه آمار مربوط به امور شهر، موالید، و متوفیات- جلوگیری از نکدی‌گری</p> | <p>خدمات اجتماعی</p> |

(شکیبا مقدم، ۱۳۷۴: ۱۵۰)

رابطه شهرداری با شورای اسلامی شهر در ایران

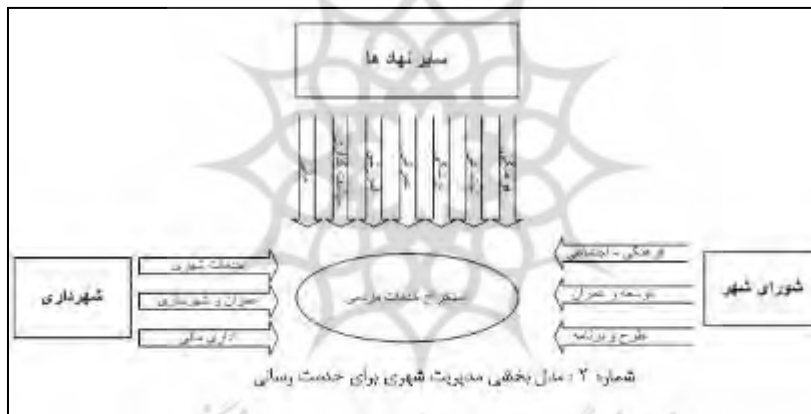
در بسیاری از کشورها مدیریت شهر از دو قسمت اصلی شهرداری و شورای شهر تشکیل می‌شوند. اگر چه ممکن است چند عنصر به آن اضافه شود ولی جوهره اصلی مدیریت شهری همان شهرداری و شورای شهر به عنوان مجری و شورای شهر به عنوان قوه مقننه شهر است. رابطه شهرداری و مدیریت شهر در کشورهای مختلف متفاوت است. در برخی از کشورها انجمن شهر وظیفه تعیین شهردار را بر عهده دارد و در برخی از کشورها انجمن شهر و شهردار به صورت جداگانه و مستقیم توسط شهروندان انتخاب می‌شوند (نوایی، ۱۳۸۲: ۶۳).



صرف نظر از تاریخچه قانون انجمن بلدیه‌ها و انجمن شهر در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی قانون شوراهای چندین بار تغییر یافت، با این وجود در رابطه با شهرداری‌ها چندان تغییری صورت نگرفت. طبق این قوانین عزل و نصب شهردار و تصمیم‌گیری، بر عهده شورای شهر می‌باشد؛ و شهردار به عنوان مدیر اجرایی برنامه‌های شورای شهر می‌باشد. شورای شهر در بعضی از مواقع می‌تواند قسمتی از کارهای اجرایی را به شهردار تفویض نماید (شکوهی، ۱۳۷۹: ۵۶).

شوراهای اولین پله به سوی نظام مردم‌سالاری بوده و نشانگر شرکت مستقیم مردم در اتخاذ تصمیمات مربوط به جامعه خود بوده و امکان آموزش، تمرین دموکراسی و مدیریت سیاسی و اجتماعی را برای آنان فراهم می‌آورد. شوراهای محلی تجلی گاه اراده مردم برای مشارکت در توسعه همه‌جانبه محلات بوده و می‌توانند با بررسی مشکلات، تنگناها و اداره راهبردهای عملی، محله‌ای و منطقه‌ای، همخوان با شرایط محیطی و فرهنگی و استعدادهای محلی با رعایت زیرساخت‌های اجتماعی، آداب و کنش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های مهم و حساس نقش ایفا نمایند.

نمودار شماره ۱- مدل بخشی مدیریت شهری برای خدمات رسانی



(www.urbanmanagement.ir)

بر اساس این شکل و تعاریف و وظایف مطرح شده می‌توان شورای شهر را بخشی مردمی و پیشنهادگر و در عین حال ناظر بر امور شهرداری‌ها دانست که توسط کمیسیون‌های فرهنگی-اجتماعی، توسعه عمرانی، طرح و برنامه بر امور شهری به صورت تصویب پیشنهادات کارشناسانه نظارت می‌نماید (www.urbanmanagement.ir).

شهرداری نیز مسئول اجرای امور اداری مالی مربوط به شهرداری‌ها است که با نظارت شورای شهر و سایر نهاد های مطرح شده انجام می‌گیرد. بخش عمران و شهرسازی نیز با توجه به برنامه‌های کلان کشور که از طریق نهادهای بالادست ابلاغ شده و مصوبات شورای شهر، طرح‌هایی را اجرایی نموده و در ادامه با توجه به مسئولیت‌های فرهنگی و اجتماعی و بهداشتی که بین شهرداری‌ها مشترک است لزوم توجه به ارتباطات این سه بخش ضروری است.

شوراهای می‌توانند به عنوان پل ارتباطی خواسته‌ها، نیازها و اولویت‌های شهر را شناسایی و ضمن انعکاس مطالبات مردم، موانع و مشکلات و شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی حاکم بر شهر را برای مردم تبیین و منتقل نمایند. این رویکرد بر وفاق و همدلی بین آحاد مردم و محلات مختلف شهر با مسئولین محلی افزوده و جامعه را در مقابل بحران‌ها و تضاد درونی بیمه می‌نماید. آنچه مسلم



است در حکومت‌های دموکراتیک و مردم سالار، رهبران جامعه به صورت زنجیروار از طریق حلقه‌هایی به طبقات زیرین جامع اتصال و همین موضوع استحکام و پایداری چنین نظام‌هایی را تضمین می‌نماید (شوراهاى اسلامى شهر خرم آباد، ۱۳۸۳: ۲۰).

مدیریت سیاسی شهرها در فرانسه:

کشور فرانسه با عنوان رسمی جمهوری فرانسه ۷ با مساحت ۵۴۳۹۶۵ کیلومتر مربع که تقریباً معادل یک سوم خاک ایران است در غرب اروپا قرار دارد و پهناورترین کشور اروپای غربی (تقریباً یک پنجم مساحت کل اتحادیه اروپا) می باشد. فرانسه دارای حکومت متمرکز نیمه ریاستی است. قانون اساسی فعلی این کشور بر اساس رفراندومی در ۲۸ سپتامبر ۱۹۵۸ تأیید و اجرایی شد که تأکید بسیاری بر تقویت رابطه شاخه اجرایی (دولت) با شاخه قانون گذاری (مجلس) دارد. شاخه اجرایی خود شامل دو قسمت می شود، قسمت اول ریاست جمهوری است که هر پنج سال با رای مستقیم مردم انتخاب می شود و ریاست شاخه اجرایی را بر عهده می گیرد و قسمت دوم مقام نخست وزیری است.

مجلس فرانسه نیز از دو قسمت تشکیل شده، یکی شورای ملی و دیگری مجلس سنا است. شورای ملی شامل نمایندگان محلی می شود که با رای مستقیم مردم برای دوره‌های پنج ساله انتخاب می گردند و قدرت انحلال کابینه دولت را دارند. اما قسمت دوم، سنا است که شامل سناتورها می شود. سناتورها برای دوره‌های شش ساله و توسط هیات انتخابات انتخاب می شوند. قدرت قانون گذاری سنا محدود است و در صورت ایجاد شدن مشکل بین شورای ملی و سنا، حرف مورد تأیید نهایی را شورای ملی خواهد زد. (محمدپناه، ۱۳۸۹: ۱۲)

پس از سال ۱۹۸۲، تمرکززدایی اساسی در سطح کشور فرانسه روی داد و بدین ترتیب حکومت‌های محلی (کمون‌ها) و دپارتمان‌ها از آزادی بیشتری برخوردار شدند و اختیارات گسترده تری به آن‌ها واگذار گردید. از این زمان به بعد تقسیمات سیاسی این کشور دارای ۲۷ منطقه^۸ شد که از شوراهاى منتخب به‌طور مستقیم برخوردار هستند. بدین سان نقش حکومت مرکزی بیشتر به نقش نظارتی تبدیل شد. به‌علاوه فرانسه از ۱۰۱ دپارتمان^۹ تشکیل شده که در زیر مجموعه‌های آن‌ها ۳۴۲ واحد تقسیمات جدیدی با عنوان آرون‌دیسمان^{۱۰} شکل گرفتند. واحد تقسیماتی بعد کانتن^{۱۱} نام دارد که در کشور فرانسه ۴۰۳۶ کانتن وجود دارد و در نهایت در پایین‌ترین حد تقسیمات کشوری در فرانسه کمون‌ها^{۱۲} با تعداد ۳۶۶۸۰ قرار دارند که همان حکومت‌های محلی محسوب می‌شوند.

نمودار ۱ - هرم تقسیمات کشوری در فرانسه

^۷ French Republic

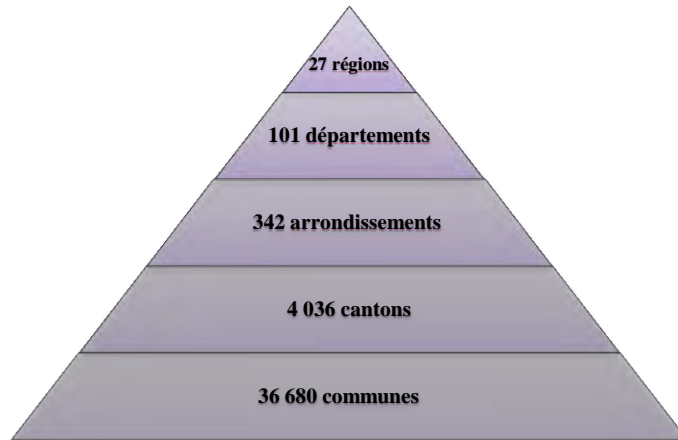
^۸ Region

^۹ Departments

^{۱۰} Arrondissement

^{۱۱} cantons

^{۱۲} Communes



منبع: (مقیمی، ۱۳۸۲: ۳۵۴) ترسیم: نگارنده

هر استان و شهرستان دارای یک فرماندار است که نمایندگی دولت مرکزی را در سطح محلی برعهده دارد. از ۳۶۶۸۰ کمون فرانسه ۲۸۱۸۳ کمون دارای مساحتی کمتر از ۱۰۰۰ هکتار هستند. اما کمون پاریس یک میلیون هکتار مساحت و ۲/۳ میلیون نفر جمعیت دارد. با این وجود علاوه بر پاریس در فرانسه چهار منطقه شهری کلان شامل لیون^{۱۳}، تورکوآن^{۱۴}، روبایکس^{۱۵} و مارسه^{۱۶} وجود دارد که نزدیک به یک میلیون هکتار از مساحت این کشور را می‌پوشاند. با در نظر داشتن تعداد زیاد تقسیمات کشوری، در فرانسه نهادهای برنامه‌ریزی بسیاری در سطوح مختلف وجود دارند. این نهادها عبارتند از:

۹ سازمان توسعه‌ی کلان‌شهری Cammunautes Urbaines

۲۱۴ سازمان برنامه‌ریزی بخشی Districes, Urbains

۳۵ سازمان برنامه‌ریزی محلی Agences d'Urbanismes

۱۷۰۱۴ واحد سندیکا برای توسعه‌ی بین کمونی Syndicats Intercommunaux (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۷).

فرایند و مدل حکومت محلی در فرانسه از انسجام به تراکم‌زدایی بوده است. به گونه‌ای که هم کنترل از درون و هم کنترل از بیرون بوده است. به‌علاوه در فرانسه، حکومت محلی به عنوان بخش جدایی ناپذیر سیستم مدیریت ملی بوده است. در حقیقت این‌طور به نظر می‌رسد که سیستم حکومت محلی در فرانسه وجود ندارد (همان: ۱۳۲).

قانون اساسی جمهوری چهارم فرانسه در سال ۱۹۴۶، حکومت‌های محلی را تحت عنوان واحدهای مدیریت محلی^{۱۷} نامگذاری می‌کند. در حالی که قانون اساسی جمهوری پنجم به سال ۱۹۵۸، به حکومت محلی تحت عنوان حکومت محلی^{۱۸} می‌نگرد. امروزه

^{۱۳} Lyon- Lille

^{۱۴} Tourcoing

^{۱۵} Roubaix

^{۱۶} Marsille

^{۱۷} Local management



الگوی فرانسوی حکومت محلی، از نظر جغرافیایی موضوعی پیچیده است، در حالی که این کشور دارای سیستم مدیریتی چهارسطحی می‌باشد:

بررسی نظام مدیریت سیاسی شهرها در فرانسه:

فرانسه بیانگر نظام متمرکز در اداره امور کشور محسوب می‌شود. سیستم حکومت شهری این کشور در بخش وسیعی از جهان گسترش یافته است. نظام حکومت شهری در فرانسه بیانگر نوعی مستقل از مدیریت سیاسی شهری تحت عنوان شیوهی فرانسوی یا ناپلئونی است که در کنار دو سیستم دیگر یعنی نظام فدرالی و بریتانیایی در بخش وسیعی از جهان و در واقع خارج از حوضه‌ی انگلو-آمریکن استقرار یافته است. این شیوه صرف نظر از علل تاریخی اشاعه‌ی آن در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، ره‌آورد گونه‌ای از اداره‌ی واحدهای محلی است که منشأ آن انقلاب کبیر فرانسه است. علاوه بر فرانسه، کشورهای آمریکای لاتین از جمله کشورهایی هستند که نظام حکومت شهری فرانسوی یا ناپلئونی در آنها رواج دارند.

طبق قانون مصوب مارس ۱۹۸۲، ویژگی‌های حکومت شهری فرانسه به شرح زیر است:

سیستم فرانسوی از دو سطح حاکمیت تشکیل می‌شود، در سطح کمون‌ها که شهرداری‌ها را در تمام اندازه‌ها -از دهکده‌های کوچک تا شهرهای بزرگ- شامل می‌شود، یک انجمن انتخابی و یک شهردار وجود دارد که به وسیله‌ی اعضای انجمن و از میان خود آنها انتخاب می‌گردد. شهردار مسئولیت کل شهرداری را برعهده دارد و جامعه‌ی محلی را نمایندگی می‌کند. او ریاست جلسه‌های انجمن را برعهده داشته و تصمیم‌های آن را اجرا می‌کند. آماده‌سازی بودجه و ارائه‌ی آن به انجمن برای بررسی و همچنین ارائه‌ی پیشنهادها و سیاست‌های جدید جزء وظایف شهردار محسوب می‌شود.

در نظام مدیریت شهری فرانسه، شوراها شهر نقش اساسی دارند. در سایر زمینه‌های مربوط به تصمیم‌گیری و مدیریت، همانند تهیه و اجرای برنامه‌های توسعه‌ی شهری نیز در این کشور سهم قابل توجهی دارد. نگاهی به مرحله‌های مختلف تهیه و تصویب برنامه‌ی شهری نشان می‌دهد که از همان آغاز -یعنی مرحله‌ی مشورت با اجتماعات محلی- بنیان کار بر پایه‌ی مشارکت مردمی نهاد شده است. (ژیسکاردستن، ۱۳۸۱: ۳۴)

مرحله‌های دیگر نیز عبارتند از:

تشکیل جلسه‌های مشترک بین سازمان‌های ذی‌نفع، انتشار برنامه‌ها و مراجعه به آرای عمومی، مشورت با سازمان‌ها و انجمن‌هایی که در قانون پیش‌بینی شده است و بالاخره تأیید برنامه، به خوبی نمایانگر اهمیتی است که مشارکت مردم به صورت خاص در اداره‌ی امور شهر را برعهده دارد (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳۵-۱۳۴).

شیوه‌های انتخاب شورا و شهرداری:

آخرین انتخابات شوراها و شهرداری‌های فرانسه در سال ۲۰۱۵ میلادی برگزار شد و شهروندان فرانسوی، اعضای شورای شهر و شهردار و معاونان شهردار را برای مدت ۶ سال انتخاب کردند. این انتخابات که منطبق با قانون مصوب نوامبر ۱۹۸۲ انجام گردید،



براساس وسعت هر کمون صورت گرفته است، البته شهرهای پاریس، لیون، و مارسی از مقررات خاص خود برخوردارند. براساس قانون، در کمون‌هایی که کمتر از سه هزار و پانصد نفر جمعیت دارند، اعضای شورای شهرداری طی دو مرحله انتخاب می‌شوند. بدین ترتیب که کسانی که اکثریت آراء مردم را به دست آورند، در مرحله اول انتخاب می‌شوند، اما کسانی که حائز اکثریت نسبی می‌شوند، در دور دوم به رقابت خواهند پرداخت. این در حالی است که اگر چند کاندیدا به یک میزان رأی آورده باشند، کاندیدایی که از همه مسن‌تر است برگزیده می‌شود. در شهرهایی که بیش از سه هزار و پانصد نفر سکنه دارند، لیست‌های انتخاباتی براساس گروه‌های ۶ نفره تنظیم می‌شود که مردم به لیست‌ها رأی اعتماد می‌دهند. تعداد اعضای شورای شهرداری از ۹ تا ۶۹ نفر متفاوت است، که برحسب تعداد ساکنان هر کمون متغیر می‌باشد (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳۴-۱۳۳).

ارتباط عناصر مدیریت سیاسی شهرها در تهیه، بررسی و تصویب و اجرای برنامه‌های توسعه‌ی شهری:

برنامه‌ریزی شهری در فرانسه یکی از مسئولیت‌های دولت مرکزی است، به همین جهت تهیه‌ی برنامه توسط مسئولان محلی دولت مرکزی صورت می‌گیرد. به موجب قانون ۳۰ دسامبر ۱۹۶۷، به منظور برقراری اتحاد نظر با مقامات محلی، برنامه‌ی شهری باید به‌طور مشترک توسط دولت و نهادهای ذی‌علاقه‌ی محلی تهیه شوند. البته برنامه‌های تفصیلی (DOS) و یا هر نوع برنامه‌ریزی اجرایی (ZUP, ZAC, ZAD) برعهده‌ی شهرداری‌هاست.

مرحله‌های تهیه، تصویب و اجرای برنامه‌های توسعه‌ی شهری:

مرحله‌ی اول: مشورت با مردم محلی:

قبل از هر چیز از نمایندگان مردمی که برنامه برای محیط زندگی آنها تهیه می‌شود، از طریق تشکیل اجتماعات محلی نظرخواهی می‌گردد. در مورد شهر و بخش‌های شهری رأی انجمن شهر و در مورد شهرستان ملاک عمل است.

مرحله‌ی دوم: تشکیل کنفرانس یا جلسه‌های مشترک سازمان‌های عمومی ذی‌نفع:

به محض اینکه نظرخواهی جوامع محلی اعلام گردید، این کنفرانس تشکیل می‌شود. اگر بین مسئولان عضو کنفرانس اختلافی بروز کند، بخشدار یا فرماندار به این اختلاف خاتمه داده و نظر نهایی بخش عمومی را تعیین می‌کند. برای برنامه‌های تفصیلی به‌جای کنفرانس مزبور، مجلس مشاوره‌ای از مسئولان که به‌طور مستقیم در برنامه ذی‌نفع هستند، تشکیل می‌شود. برای برنامه‌ی کلی و جامع فقط با انجمن شهر و کمیسیون شهرسازی مشورت می‌شود.

مرحله‌ی سوم: انتشار برنامه:

پس از اینکه فرماندار راجع به اجرای برنامه تصمیم گرفت، باید محتوای برنامه را به اطلاع عموم برساند. بعد از آنکه تمام متصدیان راجع به مواردی که از آنها مشورت شده اظهار نظر کردند، فرماندار تصمیم خواهد گرفت. تصمیم فرماندار باید توسط وزیر تأیید شود. برنامه‌ی تهیه شده را برای آگاهی عمومی در فرمانداری می‌گذارند و یا اینکه به روسای ادارات آبادانی و مسکن می‌سپارند تا در اختیار عموم مردم قرار داده شود. برنامه‌های تفصیلی نیاز به انتشار ندارند.

مرحله‌ی چهارم: مراجعه به آرای عمومی:

مراجعه به آرای عمومی بدین جهت صورت می‌گیرد تا معلوم شود که برنامه‌های پیش‌بینی شده در برنامه‌ی شهرسازی از نظر مردم قابل قبول است یا خیر. مسئولیت این کار با فرماندار است و با دستور فرماندار موضوع مراجعه به آرای عمومی، تاریخ و طول



مدت آن و روز اخذ رأی نیز مشخص می‌شود. پس از اخذ رأی پرونده در اختیار شهردار کمون قرار می‌گیرد. اگر نتایجی که از رأی عمومی به دست آمده با اصول برنامه مساعد و هماهنگ باشد، مقبولیت برنامه اعلام می‌شود. اما در صورتی که نتیجه‌ی آرا با برنامه موافق نباشد، از انجمن شهر دعوت به عمل می‌آید و نظر اعضای انجمن شهر خواسته می‌شود. علاوه بر مراجعه به آرای عمومی، چند گروه مشورتی با آن الزامی است و اگر این مشورت صورت نگیرد، موضوع تأیید برنامه منتفی خواهد بود.

مرحله پنجم:

اگر هیچ نوع اختلاف نظری بین سازمان‌ها و مردم و گروه‌هایی که با آنها مشورت می‌شود، وجود نداشته باشد، فرماندار برنامه را تأیید می‌کند. در صورتی که نظر مخالفی ابراز شود و این اختلاف نظر مربوط به دو سازمان دولتی یا وزارتخانه باشد (مثلاً وزارت آبادانی و مسکن و وزارت کشور) این اختلاف از طریق مراجع به طوری حل و فصل خواهد شد (همان: ۱۳۶-۱۳۵).

تهیه‌ی طرح‌های شهری در فرانسه مستلزم گذراندن این مراحل است، تأیید شورای شهر، تشکیل جلسات مشترک بین سازمان‌ها و انجمن‌های مقرر در قانون و بالاخره تأیید و ابلاغ طرح از سوی فرماندار است (بنقائنی کیا: Modiryar.com).

چارچوب قانونی مدیریت سیاسی در شهرها:

از زمان ناپلئون به بعد، سیستم مدیریتی فرانسه همواره متمرکز بوده است. تمام تصمیمات در ارتباط با برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای حتی صدور مجوز ساخت و ساز توسط مقامات دولتی صادر می‌شده است. شهرداران که بیشتر مدیریت کمون‌ها را برعهده دارند در این زمینه اختیارات محدودی داشته‌اند. در آغاز سال‌های ۱۹۸۲ دولت به منظور تمرکززدایی با تصویب قانون شماره ۲۱۳_۸۲ نخستین گام‌ها را برداشت. براساس این قانون، شهرداری‌ها، دپارتمان‌ها و مناطق به طور آزادانه به وسیله‌ی شوراهای منتخب اداره می‌شوند (همان).

این قانون نکات مهم زیر را در بر دارد:

شوراها نیاز به تأیید فعالیت‌های خود قبل از انجام آن به‌ویژه در مورد خدمات عمومی و امور اقتصادی محلی نخواهند داشت.

تصمیمات محلی دو هفته بعد از اعلام آن می‌تواند به اجرا درآید.

تمام ابزار برای منتفی کردن تصمیمات مقامات محلی از میان برداشته شدند.

ابلاغیه‌های شهردار به وسیله فرماندار و کمیسیون دولت مرکزی نمی‌تواند به حالت تعلیق درآید.

استعفانامه‌ی اعضای شورا به جای فرماندار کمیسیون باید به شهردار تحویل داده شود. فرماندار/کمیسیونر دیگر قادر نخواهد بود، اعضای شورا را به خاطر سه غیبت متوالی از عضویت در شورا اخراج کند.

بودجه دیگر نیازمند تصویب قبلی نیست. نظارت و کنترل بر بودجه فقط از طریق قانونی به وسیله‌ی دادگاه و یا اداره نظارت منطقه‌ای می‌تواند اعمال شود. این نظارت فقط شامل تبعیت از قوانین مصوب بودجه بوده و شامل نحوه‌ی انجام هزینه‌ها نمی‌شود.



به دنبال تصویب این قانون، قانون‌های دیگری در ارتباط با وظایف و اختیارات دولت و حکومت‌های محلی، منابع مالی، کارکنان حکومت‌های محلی، انتخابات محلی، مشارکت مردمی و غیره در راستای تقویت حکومت‌های محلی به تصویب رسید (بقائنی کیا: Modiryar.com).

برنامه‌ریزی توسعه‌ی شهری:

هدف از برنامه‌ریزی توسعه‌ی شهری در فرانسه تعیین خطوط عام توسعه برای ایجاد شرایطی مناسب برای رشد متعادل شهری، فعالیت‌های اقتصادی و استفاده‌ی مناسب از فضاهاى طبیعی است. کنترل توسعه در فرانسه معنایی جامع داشته و حتی شامل تغییرات جزئی نیز می‌شود. نظام برنامه‌ریزی فضایی در فرانسه در واقع بیشتر ساختمان را کنترل می‌کند و کنترل کاربری اراضی در مرتبه‌ی بعدی قرار دارد.

برنامه‌ریزی‌های سیاسی فضایی:

در کشور فرانسه به‌جز توسعه‌ی حمل و نقل در سطح ملی طرح توسعه‌ی فضایی وجود ندارد. در سطح منطقه‌ای قوانین شهری و منطقه‌ای وجود دارد که برای پاره‌ای مناطق تبعیت از آن جنبه‌ی الزامی دارد. این مناطق عبارتند از ۴ مستعمره‌ی فرانسه، منطقه‌ی پاریس و جزیره‌ی کورسیکا. در بین این مناطق، تاکنون تنها توسعه‌ی کورسیکا مورد تأیید قرار گرفته. در حالی که طرح مناطق دیگر، در دست تهیه است. هدف اصلی این طرح‌ها، ارائه‌ی چارچوبی است برای طرح‌های زیردست، یعنی طرح جامع هدایت‌کننده (SDAU) و طرح محلی کاربری زمین (POS). در سطح منطقه‌ای سازمان‌های عمران و آمایش منطقه، کمیسیون اقتصادی منطقه و سازمان‌های برنامه‌ریزی متروپلیتن طرح‌های آمایش منطقه‌ای را برای ۲۶ منطقه‌ی فرانسه تهیه می‌کنند. در سطح محلی به‌طور عمده دو نوع طرح در فرانسه وجود دارد. یکی طرح جامع هدایت‌کننده (SDAU) است که رؤس و اهداف برنامه‌ریزی را برای کمون‌هایی که تحت تأثیر این طرح قرار خواهند گرفت، تعیین می‌کند. (برای مثال طرح جامع هدایت‌کننده‌ی منطقه‌ی کلان‌شهری لیون ۷۱ کمون را در قلمرو برنامه‌ریزی خود قرار می‌دهد). تبعیت از این طرح‌ها برای حکومت‌های محلی الزامی است، اما برای صاحبان اراضی حکم قانونی ندارد. دوم طرح محلی کاربری زمین (POS) که قوانین و مقررات دقیق در مورد کاربری زمین و خصوصیات هر قطعه زمین را تعیین می‌کند.

این طرح‌ها به‌وسیله‌ی حکومت‌های محلی برای قلمروهای خود تهیه می‌شوند و ممکن است شامل حکومت محلی مجاور که فاقد چنین طرحی باشند نیز بشود. طرح محلی کاربری زمین تنها سند قانونی برنامه‌ریزی است که تبعیت از آن برای تعیین کاربری زمین و ساختمان الزامی است و سرپیچی از آن می‌تواند تبعات قانونی به دنبال داشته باشد (نقیب زاده: ۱۳۷۳:۳۴).

تاکنون ۴۱۹ طرح جامع هدایت‌کننده تهیه شده که فقط تعداد ۱۹۶ طرح به تصویب رسیده است. این طرح‌ها اغلب در دهه‌ی ۱۹۸۰ تهیه شده و اینک قدیمی شده‌اند. از سوی دیگر از ۱۷۹۵۷ طرح محلی کاربری زمین که ۹۲ درصد کل جمعیت کشور را پوشش می‌دهد، ۱۱۸۶۴ طرح تصویب شده است. این نوع طرح‌ها برخلاف طرح‌های جامع هدایت‌کننده به‌طور منظم به‌هنگام می‌شوند. از سال ۱۹۸۳ به بعد مسولیت تهیه‌ی طرح‌های محلی کاربری زمین به کمون‌ها واگذار شد. این طرح‌ها توسط دپارتمان‌های برنامه‌ریزی دولت به‌طور رایگان برای کمون‌ها تهیه می‌شود، اما بعضی اوقات حکومت‌های محلی مهندسان مشاور را از بخش خصوصی با کمک‌های مالی دولت برای تهیه‌ی این طرح‌ها، استخدام می‌کنند. به‌علاوه کمون‌ها این حق را دارند که در صورت تمایل خود را از محدوده‌ی طرح‌های جامع هدایت‌کننده (SDAU) خارج سازند که در آن صورت تبعیت از راهبردهای طرح بالادست برای آنان الزامی نخواهد بود. طرح‌های توسعه‌ی محلی از طریق «طرح جامع توسعه» (ZAC) و یا طرح تفکیک می‌تواند به



اجرا درآید. طرح توسعه‌ی محلی جایگاه مشارکت توسعه‌گران بخش خصوصی و حکومت محلی را در اجرای طرح‌ها مشخص می‌کند. تعداد ۳۰۰۰ طرح از این نوع که به جزییات برنامه‌ی سرمایه‌گذاری برای ایجاد تأسیسات عمومی می‌پردازد، از سال ۱۹۶۷ تاکنون به صورت موفقیت‌آمیزی به اجرا درآمده‌اند. «طرح تفکیک» که شامل نقشه‌ی دقیق زمین بعد از توسعه می‌شود، می‌تواند توسط توسعه‌گران بخش خصوصی و با نظارت حکومت‌های محلی تهیه شود. اما «طرح جامع توسعه» باید توسط یک سازمان عمومی با موقعیت تجاری تهیه شود (Lefevre, ۲۰۰۳:۲۸۷).

نقش حکومت‌های محلی:

در فرانسه برنامه‌ریزی شهری از وظایف دولت مرکزی بوده و دولت در تهیه‌ی طرح‌های توسعه‌ی شهری دخالت می‌کند. از این رو تهیه‌ی طرح‌ها توسط مسئولان محلی دولت مرکزی صورت می‌گیرد. طرح‌های بلندمدت (SDAU)، توسط دولت و نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط به صورت مشترک تهیه می‌شود. تهیه‌ی طرح‌های تفصیلی و یا هر نوع برنامه‌ریزی اجرایی در این سطح به عهده‌ی شهرداری‌هاست. در واقع از سال ۱۹۸۳ به بعد و به دنبال تمرکززدایی، مسئولیت تهیه‌ی طرح کاربری زمین محلی (POS) به کمون‌ها واگذار شده است. به طور کل، این طرح‌ها به وسیله‌ی دپارتمان‌های دولتی به صورت رایگان برای حکومت‌های محلی تهیه می‌شود. با این حال بیشتر کمون‌ها شرکت‌های مهندسان مشاور بخش خصوصی را با کمک‌های مالی از سوی دولت برای تهیه‌ی این طرح‌ها استخدام می‌کنند (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۸).

ساختار نظام مدیریت سیاسی شهری:

به طور کلی کمون‌های فرانسه دارای یک شورا به تعداد ۹ نفر عضو برای مجتمع‌های زیستی کمتر از ۱۰۰۰ نفر و ۴۹ عضو به ازای ۳۰۰۰۰۰ نفر جمعیت هستند. سیستم جداگانه‌ای برای مناطق کلان‌شهری از جمله پاریس با ۱۰۹ عضو شورا، لیون با ۶۱ عضو شورا، ماری با ۶۳ عضو شورا، تولوز و سنس با ۴۹ عضو شورا برقرار است. اعضای شورا با انتخاب مستقیم از سوی مردم برای ۶ سال برگزیده می‌شوند. نحوه‌ی انتخابات به صورت نمایندگی نسبی انجام می‌گیرد (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۸).

هر شورا از میان اعضای خود یک نفر را به عنوان شهردار^{۱۹} و از ۲ تا ۱۳ نفر بستگی به جمعیت کمون به عنوان معاونان شهردار^{۲۰} انتخاب می‌کند. به علاوه بر اساس توصیه‌ی شهردار، شورا می‌تواند از ۱ تا ۵ معاون اضافی شهردار نیز انتخاب کند. شهردار و معاونان، تشکیلات شهرداری^{۲۱} را اداره می‌کنند. شوراهای شهر موظف اند حداقل برای چهار بار در سال تشکیل جلسه دهند. شورا از قدرت وسیعی برخوردار بوده و می‌تواند مسائل مختلف محلی را مورد بررسی قرار دهد. از جمله امور مالی محلی (بودجه‌بندی، وضع ایجاد مالیات و وام‌ها)، استخدام کارمندان شهرداری، اداره‌ی اموال شهرداری، جاده‌ها و خیابان‌ها، ایجاد خدمات عمومی و شرکت‌های عام‌المنفعه (ژیسکاردستن: ۱۳۸۱: ۶۴).

بر اساس قوانین ۲ مارس ۱۹۸۲ اختیارات شوراهای شهر باز هم وسیع شده و قلمرو اقتصادی را نیز دربر گرفت. بر این اساس شوراهای می‌توانند به طور مستقیم یا غیرمستقیم برای توسعه‌ی اقتصادی به شرکت‌هایی که مشکلات مالی دارند کمک‌های مالی کنند. برای کمک به فعالیت شورا از میان اعضای شورا ممکن است هیأتی منصوب شود. وظیفه‌ی این هیأت برقراری تداوم در فعالیت‌ها در مواقعی است که شورا تشکیل جلسه نداده است. به علاوه این هیأت در مورد مسائل مشخص که شورا باید آن را بررسی کند، تحقیق

^{۱۹} Maire

^{۲۰} adjoints

^{۲۱} Municipalite



و توصیه‌های لازم را به شورا ارائه می‌دهد. شهردار دو وظیفه اصلی را برعهده دارد. نه تنها مسئول و نماینده‌ی منطقه، بلکه رئیس اجرایی حکومت محلی است. در این مسئولیت شهردار مسئولیت اجرایی تصمیمات شورای محلی و کنترل نهایی، تهیه و تنظیم دستور جلسه و ریاست بر جلسات شورا، کنترل و نظارت بر انجام خدمات عمومی، نمایندگی شهرداری در مسائل قانونی در ارتباط با حکومت مرکزی، نظارت و سرپرستی امور پرسنلی شهرداری، تعویض و واگذاری بودجه‌ی سالیانه برای تصویب شورا را برعهده دارد. علاوه بر این اختیارات شورای شهری می‌تواند انجام پاره‌ای از وظایف خود را نیز به شهردار واگذار کند. تصمیمات گرفته شده از سوی شهردار در قبال وظایف فوق باید به‌طور مشخص به‌وسیله‌ی وی به اعضای شورا برسد و شهردار در قبال آن وظایف نسبت به شورا مسئولیت داشته و شورا در صورت تمایل می‌تواند این وظایف را از وی باز پس گیرد. (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۸).

علاوه بر انجام وظایف شهرداری، شهردار نماینده‌ی دولت مرکزی است. در این نقش شهردار مستقیماً جوابگو به دولت است و موظف به جمع‌آوری و حفظ آمارهای ضروری، جمع‌آوری اطلاعات، انتشار قوانین و تضمین اجرای آنها، اعمال قدرت در زمینه‌ی تحقیقات و رسیدگی‌های قضایی و بالاخره ایفای نقش مشاوره‌ای است. به‌علاوه در نهایت شهردار دارای اختیارات شخصی با توجه به سیاست محلی است که وی را قادر می‌سازد تا قوانین و نظم عمومی، امنیت، سلامت و بهداشت عمومی را تعیین کند.

در شهرداری‌های بزرگ مدیریت تشکیلات برعهده‌ی مدیرعاملی است که از سوی شهردار منصوب شده و تمامی معاونان به او در مورد کارهای خود گزارش داده و او را در جریان امور قرار می‌دهند. بنابراین نقش شهردار در فرانسه بیشتر سیاستگذار و رهبری است. رابطه‌ی بین شورا و شهردار براساس شخصیت شهردار و یا تعادل سیاسی تعیین می‌شود. لذا در صورت همکاری نکردن متقابل که منجر به سوء مدیریت شهردار می‌شود، فرماندار/ کمیسیونر دخالت کرده سعی در ایجاد تفاهم بین این دو می‌کند. در صورت نبود چنین تفاهمی بنابر توصیه‌ی فرماندار به شورای وزیران، ممکن است حکم انحلال شورا صادر شود (ایوبی، ۱۳۹۳: ۷۴).

وظایف مدیریت های سیاسی در شهرهای فرانسه:

تا ۳۰ سال قبل مدیریت سیاسی شهرها در فرانسه وظایف و اختیارات محدودی داشتند. اما بعد از تمرکززدایی سال ۱۹۸۲ به وظایف این نهادها افزوده شده است، چنانچه ابعاد مختلف مدیریت شهری از جمله مدارس، حمل و نقل، کمک به شرکت‌های تجاری و آموزش حرفه‌ای را دربر می‌گیرد. علاوه بر این سعی شده است تا تقسیم کار منطقی بین سطوح مختلف حکومت‌های محلی یعنی دپارتمان‌ها و کمون‌ها به وجود آید.

پیش از این به‌علت وجود سطوح گوناگون مدیریتی دولتی و مدیریت در شهرها مشخص نبود، که هر کدام از مسئولیت‌ها برعهده‌ی چه کسی بوده و مردم اگر اعتراضی داشتند به چه کسی رجوع کنند. ولی امروزه سطح تحتانی حکومت‌های محلی که مدیریت سیاسی مناطق شهری را به عهده دارند، بیشتر فعالیت‌های خود را در زمینه‌ی مدارس ابتدایی، کاربری زمین و مسکن متمرکز کرده است. درحالی‌که دپارتمان‌ها در فرانسه خدمات در امور اجتماعی، حمل و نقل، برنامه‌ریزی اقتصادی، برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری و تحصیلات برای بزرگسالان توجه دارند. (محمدپناه: ۱۳۸۹: ۵۴) به طور مثال سازمان شهرداری پاریس مسئول انجام تمام امور زیر است:

معماری شهر، امور جوانان و ورزش، برنامه‌ریزی شهری، امور مدارس، امور فرهنگی، امور رفاهی و اجتماعی، شبکه راه‌های داخلی شهر، حفاظت محیط زیست، ایجاد پارک‌ها و فضاهای سبز، ساختمان و مسکن.



علاوه بر این وظایف، شهردار در مقام فرماندار پاریس مسئولیت نظارت و همکاری در سیستم حمل و نقل عمومی منطقه، امور مسکن، حفاظت در محیط زیست و فعالیت‌های فرهنگی، زمینه‌ی برنامه‌ریزی، را داراست. به‌علاوه شهردار اختیارات شخصی در زمینه‌ی تأمین نظم و قانون، امنیت و بهداشت عمومی را نیز دارد. در اجرای فعالیت‌های انتظامی، شهردار پاسخگو به دپارتمان‌ها و کمون‌های مرکزی پاسخگو نیست، بلکه مسئولیت نهایی برعهده‌ی شورا است (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۸).

منابع مالی حکومت‌های محلی در فرانسه:

در کشور فرانسه، بودجه‌ی حکومت‌های محلی، دربرگیرنده‌ی ۱۴ درصد از بودجه‌ی کل و حدود ۷ درصد از GDP کشور فرانسه است. منابع مالی حکومت‌های محلی در فرانسه بستگی به این که برای هزینه‌های جاری مورد استفاده قرار می‌گیرد یا برای سرمایه‌گذاری، فرق می‌کند. در راستای هزینه‌های جاری منبع درآمدی حکومت‌های محلی در فرانسه کمک بلاعوض است که بسته به مقدار مالیات‌های جمع‌آوری شده دولتی و نیازهای مالی و قدرت درآمدزایی حکومت‌های محلی، هر ساله تغییر می‌کند. علاوه بر این منبع، حکومت‌های محلی خود از طریق مالیات بر زمین، اقامت، مشاغل، دفع مواد زائد و حمل‌ونقل می‌توانند کسب درآمد کنند. منابع مالی برای هزینه‌های سرمایه‌گذاری از طریق مالیات بر ساختمان، نوسازی و توسعه، تراکم ساختمانی، سهم بخشی از مالیات بر ترافیک جمع‌آوری شده از سوی دولت مرکزی، یارانه‌هایی از دولت مرکزی، منطقه‌ای و دپارتمان‌ها، و وام‌ها، تأمین می‌شود.

حکومت‌های محلی حق وضع دو نوع مالیات دارند: یکی مالیات مستقیم است همچون مالیات بر املاک، مسکن و تجارت. دیگر مالیات غیرمستقیم: مانند نقل و انتقال املاک، مالیات برق و تفریحات. به‌علاوه حکومت‌های محلی می‌توانند عوارض مختلفی از طریق جمع‌آوری زباله، پاکیزگی و بهداشت خیابان‌ها دریافت کنند. منابع دیگر درآمدی حکومت‌های محلی از طریق اجاره‌ی املاک شهرداری، محل‌های پارکینگ اتومبیل و غیره کسب می‌شود (بقائی کیا: Modiryar.com).

ارزیابی نظام برنامه‌ریزی توسعه و مدیریت سیاسی شهری:

با وجود تمرکززدایی، دولت مرکزی از طریق ارائه‌ی خدمات فنی و مالی به کمون‌های کوچک، و قوانین که چارچوب دقیق برای تهیه‌ی طرح‌های کاربری زمین و روند انجام آن ترسیم می‌کند، همچنان نظارت قوی بر فعالیت برنامه‌ریزی حکومت‌های محلی دارد.

در زمینه‌ی مدیریت سیاسی شهری، نظام فرانسه دارای مکانیزمی قوی برای ایجاد یکنواختی و تعیت از قوانین برنامه‌ریزی و مدیریتی دارد. دادگاه‌های اداری، مکانیزمی برای بررسی مجدد و اعتراضات برای تمامی شرکت‌کنندگان در امر برنامه‌ریزی از جمله متقاضیان، مقامات محلی، افرادی که تحت تأثیر اجرای طرح‌ها قرار می‌گیرند و بالاخره گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی، فراهم می‌سازد. با این وجود، نظام برنامه‌ریزی فضایی در فرانسه درگیر یک سری مشکلات از جمله مشکل درک روندهای پیگیری قانونی برای عامه‌ی مردم است. ناتوانی مالی و تشکیلاتی کمون‌های کوچک در برعهده گرفتن وظایف محوله و تحمیل قوانین برنامه‌ریزی شهری به‌صورت یکنواخت به کمون‌ها موجب می‌شود تا گاهی با شرایط واقعی اقتصادی و اجتماعی جوامع تطبیق نداشته باشد و جوابگوی نیازهای جوامع کوچک نباشد. مشکلات مالی کمون‌های کوچک باعث تحمیل مالیات‌های محلی بیش از توان مردم شده است.



در زمینه‌ی مدیریت شهری به‌دنبال تمرکززدایی، تغییرات مثبتی در نظام مدیریت شهری در فرانسه به‌وجود آمده است. این تغییرات عبارتند از:

تقسیم وظایف بین سطوح مختلف حکومت‌های محلی و دولت مرکزی به‌صورت منطقه‌ای صورت گرفته است.

با افزایش اختیارات حکومت‌های محلی در نحوه‌ی مدیریت داخلی تشکیلات خود، این نهادها امروزه با استخدام کارشناسان متخصص از بخش خصوصی و دانشگاه‌ها کارکرد خود را بهتر نموده و بیشتر مانند یک شرکت تجاری کارا عمل می‌کنند.

نقاط ضعف مدیریت سیاسی شهری در فرانسه:

با تمرکززدایی و واگذاری پاره‌ای از خدمات از دولت مرکزی به حکومت‌های محلی، منابع مالی مورد نیاز حکومت‌های محلی به‌منظور به‌عهده گرفتن خدمات خود، به میزان مطلوب نیست. لذا فعالیت‌های مذکور از سوی نهادهای مختلف حمایت می‌شوند و در نتیجه مسئول نهایی و پاسخگویی اصلی برای هر فعالیت مشخص نیست.

شهرداران به‌عنوان رئیس هیأت اجرایی و رئیس شورای شهر به‌دنبال تمرکززدایی، بیش از اندازه قدرت به‌دست آورده‌اند و پاسخگویی لازم را نسبت به مردم و سطوح مرکزی ندارند. زیرا که سطوح دولت مرکزی فاقد کارشناسان مورد نیاز در جهت نظارت بر فعالیت‌های حکومت‌های محلی است. به‌علت وجود تعداد زیاد کمون‌ها (بیش از ۳۶ هزار واحد) و اختیاراتی که در حال حاضر برعهده‌ی کمون‌ها است نمی‌توان آنها را مجبور به همکاری کرد. از سوی دیگر نبود همکاری موجب مشکلات مالی و تجهیزات بی‌شماری برای این نهادها شده است. بنابراین تنها راه ترغیب شهرداران به همکاری، ایجاد انگیزه برای همکاری است، که این به نوبه‌ی خود نیازمند توسعه‌ی فرهنگ جدید مدیریت سیاسی است (همان).

در فرانسه، قانون سال ۱۸۰۷ میلادی اجازه‌ی ایجاد فضاهای عمومی در شهرها را نوید داد. شهرداری‌ها به ساماندهی نسبی وضع شهرها پرداختند. در دهه‌ی ۱۸۲۰ در بعضی از شهرها و از جمله پاریس به تفکیک زمین و احداث ساختمان در نواحی حومه‌ای پرداخته شد. اگرچه این مورد در ابتدا با موفقیت همراه نبود، ولی از دهه‌ی ۱۸۴۰ بهبود وضع خیابان‌ها و برداشتن مسکن غیربهداشتی، در دستور کار شهرداری‌ها قرار داشت. محور زاغه‌نشینی و خانه‌های نامناسب، رواج بهداشت عمومی، بهبود تفکیک اراضی، رشد و گسترش شبکه‌ی آب و فاضلاب و ایجاد خیابان‌های جدید، از جمله اقداماتی بود که در جهت بهبود وضع شهرها انجام گرفت این موارد با سال‌های دهه‌ی ۱۸۵۰ که جرج هاسمان به آماده‌سازی شهر پاریس در برابر صنعت اقدام کرد، مقارن است. شهرداری‌ها حتی با اعطای وام یا پرداخت یارانه و درنهایت جلب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی (ولی با نظارت کامل بر آن) و سرمایه‌گذاری بر منافع عمومی شهر به بهبود شرایط شهرها پرداختند. قانون سال ۱۸۵۲ فرانسه در جهت سلامتی و ارتقای سطح بهداشت عمومی مردم وضع گردید. شهرداری‌ها نیز به تبعیت از آن به بهبود وضع مسکن و تدوین ضوابط مربوط به عرض معابر، ارتفاع ساختمان‌ها و دیگر مقررات ساختمانی ملزم شدند. (Conseil Regional Ile-de-france, ۲۰۰۴)

برای تنظیم برنامه‌های استفاده از اراضی و تفکیک زمین و توسعه‌ی قانونمند شهری، مدیریت شهرهای بزرگ فرانسه از دهه‌ی ۱۸۹۰ گسترش زیادی یافت. مجلس فرانسه در سال ۱۹۰۲ مجدداً بر بهداشت عمومی شهرها تأکید کرد. همین مورد بود که شهرداری‌ها و مدیریت شهرداری‌های فرانسه را متقاعد کرد که شهرها باید از نظر روال کار و شرایط زیست از معیارهای قابل قبولی



برخوردار باشند. رشد اقتصادی فرانسه، بهبود شبکه‌های حمل و نقل، گسترش خانه‌سازی، ایجاد شبکه‌ی حمل و نقل عمومی و ایجاد تسهیلات زندگی برای شهروندان را به دنبال داشت که این مورد دلیلی بر پویانده شدن مدیریت سیاسی شهری در شهرهای بزرگ فرانسه نیز به شمار می‌آید (شیعه، ۱۳۸۲: ۹-۸).

جمع بندی:

ویژگی های مدیریت سیاسی در شهرهای فرانسه

نظام مدیریتی و اداره شهر در هر کشوری تابعی از نظام سیاسی حاکم بر آن کشور است. در نظام‌های سیاسی غیر متمرکز که عموماً الگوی حکومت در کشورهای شمال است اداره امور شهرها نیز بصورت غیر متمرکز و بوسیله نهادهای محلی انجام می‌شود. اساس حکومت در این کشورها بر مبنای مردم سالاری است. این ویژگی در نظام اداره شهرهای آنها نیز حاکم است. به عبارت دیگر، مقامات مدیریت شهری بر اساس انتخابات تعیین می‌شوند و نظارت بر جریان اداره امور شهر از طریق شوراهایی انجام می‌شود که نمایندگان منتخب مردم در آنها عضویت دارند (علوی: ۱۳۷۹: ۹۴). «بررسی کوتاه از سیستم های مدیریت در شهرهای بزرگ دنیا، اعم از شهرهای کشورهای دنیای سرمایه داری و یا سوسیالیستی، حاکی از آن است که اکثراً مدیریتی مقتدر، مستقل و مردمی بر این شهرها حکومت می‌کند. بررسی چارتهای سازمانی در این کشورها نشان می‌دهد که مدیریت سیاسی شهرها حتی در شهرهای کوچک نیز برای اداره شهر از هیچ نهاد یا فرد غیر مرتبط دستور نمی‌پذیرد» (مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری تهران، ۱۳۷۴: ۸۳)

در این کشورها حکومت های شهری مستقل با دایره وسیعی از اختیارات، اداره شهر را از جنبه های گوناگون بر عهده دارند و زمینه برای مشارکت مستقیم مردم و بخش خصوصی در نحوه مدیریت شهر فراهم است. در این جوامع مدیریت شهری که نظامی باز است از ارتباطات سیاسی و اجتماعی خود با سایر بخش های جامعه سود می برد، تا اهداف و مقاصد خود را پیاده نماید و عملکرد خود را بر اساس خواست های شهروندان تنظیم کند. مدیریت شهری در این کشورها، شفاف، پاسخگو، مشارکت جو و شهروند محور است. در کشورهای شمال رابطه متقابل بین جامعه و مدیریت شهر وجود دارد و ارزشها و گرایشهای مختلف در شهرها متاثر از همگرایی اجتماعی بوده و به نوعی تفاهم و هم سوئی متقابل را می‌رساند (رفیع پور، ۱۳۷۵: ۴۱۸).

مدیریت سیاسی شهر در این کشورها بیشتر حالت یک دولت محلی کوچک را دارند که دارای استقلال زیادی در اداره امور زندگی اجتماعی و اقتصادی جامعه شهری خود هستند. لذا مسئولین اداره شهر خود را در برابر شهروندان مسئول می‌دانند، نه در مقابل حکومت. به دلیل همبستگی درونی بسیار قوی بین عناصر سیستم (نظام) شهر، یعنی مدیریت، جامعه و کالبد، این نظام در برابر تغییرات محیطی اعم از سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی ثبات و مقاومت بسیار زیادی از خود نشان داده و تغییرات را به راحتی جذب و هضم می‌کند (یوسف پور، ۱۳۹۰: ۳۱). نظام مدیریت سیاسی شهر در کشورهای شمال عموماً درون گرا و به صورت متقابل با سایر عناصر در ارتباط و تبادل اطلاعات و ارزشها می‌باشد (کامروا، ۱۳۷۹: ۵۶). به همین دلیل نظام شهری دینامیک و پویایی را بوجود آورده است که نتیجه مشارکت و همراهی متقابل نهادهای جامعه مدنی، بخش خصوصی و دولت است.

مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه

رشد سریع شهرنشینی در جهان یکی از مهمترین دگرگونیهای جمعیت شناختی در قرن بیستم بوده است (پراکاش، ۱۳۷۹: ۲۰۳). بیشترین تحولات شهرنشینی بخصوص در آخرین دهه های قرن بیستم مربوط به بخشی از کشورهای جهان به نام کشورهای جنوب



است. رشد سریع شهرنشینی در این کشورها در کمتر از چند دهه مشکلات عمده اجتماعی - اقتصادی و فیزیکی را پدید آورده است. « افزایش فقردر شهرها، دسترسی ناکافی به مسکن و خدمات اصلی شهری، ایجاد حاشیه نشینی و مسکن های غیرقانونی، سیستم حل و نقل ناکافی و نارسایی امکانات اصلی شهری، مهاجرت بی رویه از روستا به شهر و مشکلات حاد زیست محیطی از جمله مهمترین مشکلات در شهرهای جهان سومی هستند.» (همان: ۳)

نهادهای مسئول اداره شهر در این کشورها عملاً فاقد توانایی های لازم برای مهار این مشکلات هستند. نظام های اداره شهر و مدیریت سیاسی شهر در کشورهای جنوب غالباً به فعالیت های روزمره زیر که غالباً خدماتی هستند می پردازند و به صورت ذاتی اختیارات سیاسی و اجرایی بسیار محدودی دارند:

- ارائه خدمات عمومی اولیه شهری همچون پاکیزگی شهر، تامین آب و ...

- احداث، اصلاح و توسعه معابر، خیابان ها، پارک ها و میدانها و ...

- نظارت بر طرز استفاده از اراضی، بازارها، ساختمان ها، و ... در داخل محدوده حریم شهر» (مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری تهران، ۱۳۷۴: ۸)

پرداختن به این گونه فعالیت های روزمره باعث ناکارآمدی مدیریت سیاسی شهر و عدم پاسخگویی به نیازهای گوناگون ساکنین شهر شده است. علل ناکارآمدی مدیریت سیاسی در این کشورها را می توان به شرح زیر خلاصه نمود:

- وجود شکاف در برنامه ریزی و فعالیت میان سازمان های محلی و دولت مرکزی مسئول مدیریت شهر

- دخالت سازمانها، ارگانها و همچنین افراد مختلف در امر مدیریت شهری

- سطح پایین آگاهی، عدم حضور و مشارکت مردمی در اداره شهر

- ضعف بنیه مالی نهاد مدیریت سیاسی شهر و وابسته بودن آن به بودجه دولت مرکزی

- عدم گسترش خدمات هماهنگ با رشد جمعیت

- متمرکز بودن امور وابستگی شدید به حکومت مرکزی

- فقدان اطلاعات و دانش کافی برای فرمول بندی و پیاده سازی برنامه ها و سیاستهای مدیریت شهری

- کمبود نیروهای متخصص در امر مدیریت شهری» (مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری تهران، ۱۳۷۴: ۷).

موارد ذکر شده از جمله مهمترین علل ناکارآمدی مدیریت شهری در کشورهای جنوب هستند.

اغلب شهرهای جنوب « آسیب پذیرترین شهرهای جهان هستند از اینرو پیامدهای شهرنشینی و شهرگرایی در این شهرها در مقایسه با کشورهای پیشرفته بسیار وخیم تر است و به تبع آن مشکلات نظام مدیریت سیاسی شهر در کشورهای جنوب نیز بیشتر و جدی تر است. علاوه بر نارسائی های ذکر شده در فوق می توان به کمبود یا نبود منابع شهری، فشار زیاد برای رقابت های شهری، تقاضای زیاد برای سهم بیشتر از درآمدهای شهری و بروز مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حقوق شهری را نیز افزود. همچنین در این کشورها نظام جامعه شهری روز به روز پیچیده می گردد که پیوند بسیار زیادی با شهرنشینی و شهرگرایی دارد» (نجاتی، ۱۳۷۹: ۶).



در بسیاری از کشورهای جنوب برنامه های توسعه ملی فاقد اهداف و مقاصد عینی و واضح تعریف شده برای توسعه شهری است و مدیریت شهرنشینی در چنین برنامه هایی یکپارچه نیست (پراکاش، ۱۳۷۹: ۲۰۹).

اصلاح نظام مدیریت شهری در کشورهای (جنوب) مستلزم نگرشی جدید به مدیریت شهری است. پاسخ به مشکلات مبتلا به نظام مدیریت شهری تا پیش از دو دهه اخیر کوتاه مدت، بخشی، ناهماهنگ، فیزیکی و فاقد جنبه های برنامه ریزی اقتصادی و اجتماعی بوده است. اما با گسترش و رشد روز افزون شهرها، مدیریت آنها نیز به طرز شگفتی پیچیده و دشوار شده است، پیچیدگی مسائل و اهمیت آن موجب می شود تا برنامه ریزان و مدیران شهری روشهای قدیم مدیریت شهری را رها کنند و با افکار نو و روشهای نوین به مقابله با مسائل و مشکلات مبتلا به سیستم مدیریت شهرها بپردازند (مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری تهران، ۱۳۷۴: ۸).

نتیجه گیری:

بر اساس مطالب ارائه شده در بخش های قبل و بررسی هر کدام از الگوهای مدیریت سیاسی در شهرهای ایران و فرانسه نتایج گوناگونی از آن منتج می گردد که همگی آن ها در دو قالب کلی قرار خواهند گرفت، اول در حیطه نوع اختیارات برای تصمیم گیری و دوم در مشارکت دادن مردم در تصمیم گیری های محلی و شهری است. بنابراین در این دو حوزه الگوهای مدیریت سیاسی شهرها در ایران و فرانسه با یکدیگر اختلاف دارند اما در حوزه ساختار کلی فرآیندها که در آن برای کمون ها در فرانسه و برای شهرها در ایران یک قوه مقننه و یک قوه مجریه وجود دارد نیز از مهمترین اشتراکات این دو مدل است. مهمترین موارد اختلاف در نوع مدیریت سیاسی شهرها در ایران و فرانسه به شرح زیر است:

- نمایندگان مردم در فرانسه در کمون ها برگزیده می شوند و ممکن است یک یا چند شهر در هر کمون وجود داشته باشد اما در ایران نمایندگان مردم در هر شهر به صورت جدا انتخاب می شوند، لذا اختلاف در نوع سازماندهی سیاسی فضایی کشوری و همچنین تقسیمات کشوری مشهود است.
- با اینکه نظام هر دو کشور متمرکز است اما حوزه اختیارات ذاتی و قانونی مدیریت شهری در فرانسه کاملاً گسترده و وسیع است و حتی در برخی موارد حق تعیین مالیات های گوناگون را نیز دارا هستند اما در ایران حوزه اختیارات از نوع تفضیعی است و عموم تصمیم گیری ها باید برای اجرایی شدن به تایید مرکز برسد.
- مدت زمان تصدی نمایندگان مردم در ایران ۴ سال و در فرانسه ۶ سال است.
- میزان و تعداد نمایندگان مردم در شوراهای شهری را در فرانسه بر مبنای جمعیت بسیار متغیرتر از تعداد نمایندگان در ایران است.
- طرح های ساماندهی شهری در فرانسه با مشورت مردم و ذی نفعان تهیه و تنظیم می گردد (پایین به بالا است) و اما در ایران طرح های توسعه ای شهری بدون توجه به نظرات مردم تهیه و اجرا می شوند (بالا به پایین است).
- مهمترین حوزه اختیارات مدیران شهری در ایران از نوع خدماتی است اما در فرانسه اکثر حوزه های اجرایی محلی در اختیار مدیریت شهری می باشد.
- مدیریت شهری در ایران بیشتر وابسته به یک نوع از ردیف بودجه ها است اما در فرانسه مدیریت شهری از استقلال نسبی برخوردار بوده و حکومت مرکزی در موارد خاص در آن دخالت می کند.



- در فرانسه آراء منتخبین مردم نافذ بوده و به ندرت و بر اساس موارد مشخص شده از قبل می توان آراء آن ها را مخدوش و یا باطل اعلام کرد.
- کمون ها در فرانسه این حق را دارند که در صورت تمایل از محدوده ی طرح های جامع هدایت کننده خارج شوند و برای خود به صورت محلی تصمیم گیری کنند و این طرح ها برای آن ها الزام آور نیست اما در ایران نظام مدیریت سیاسی شهرها اجازه حتی دخل و تصرف را به صورت محلی در طرح های بالا دستی و جامع نمی دهد.
- در فرانسه شهردار هر شهر نماینده حکومت مرکزی نیز محسوب شده و باید پاسخگوی آن ها نیز باشد اما در ایران شهردار پاسخگو به حکومت مرکزی هست اما نماینده آن ها در شهر نیست.
- بنابراین با توجه به داده های فوق به نظر می رسد فرضیه اول که این گونه مطرح شده بود: به نظر می رسد مهمترین تفاوت در مدیریت سیاسی شهرهای ایران و فرانسه در نوع اختیارات ذاتی و همچنین شیوه انتخاب اعضای منتخب مردم برای اداره شهر می باشد. تایید می گردد. همچنین فرضیه دوم که گفته شده بود: در ایران مدیریت سیاسی شهرها به شدت متأثر از نظام متمرکز حکومت و در فرانسه تا حد کمی متأثر از نظام متمرکز کشور است. نیز تایید می شود و در آخر نیز فرضیه آخر هم که بیان کرده بود: تصمیم گیری ها و اختیارات ذاتی در حوزه مدیریت سیاسی شهر بسیار گسترش یافته و محلی است اما در ایران اختیارات تفیضی و محدود و متمرکز است نیز مورد تایید قرار می گیرد.

منابع:

- ایمانی جاجرمی، حسین و نوید سعیدی رضوانی (۱۳۷۵)، مدیریت شهری در ایران، وزارت کشور، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، تهران
- ایوبی، حجت الله، (۱۳۹۳) سیاست و حکومت در فرانسه، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- بقائی کیا، مسعود، مدیریت شهری در فرانسه، سایت Modiryar.com
- پیران، پرویز (۱۳۸۱)، آسیب شناسی شورا در ایران (۴) در روزنامه نوز، شماره ۳۶۲، سه شنبه ۱۱ مرداد ماه.
- تیلور، پل (۱۳۸۰)، ایجاد دمکراسی در شهرها مبارزه جهانی در راه حکومت شهری در همگامان، نشریه داخلی شهرداری تهران، شماره ۲۰.
- رایینز، استفن، (۱۳۷۶)، تئوری سازمان، ترجمه دکتر سید مهدی الوانی و حسن دانایان فرد، تهران، نشر موج
- رجب دوست، مسعود (۱۳۸۶)، بررسی نقش مدیریت شهری در گسترش کالبدی نقاط شهری (مورد مطالعه: شهر فسا در فاصله سالهای ۱۳۸۰-۱۳۶۰)، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس
- رضویان، محمد تقی، (۱۳۸۱)، مدیریت عمران شهری، انتشارات پیوند نو، تهران
- رهنما، محمدرحیم- توانگر، معصومه، (۱۳۸۷)، گزارش مدیریت شهری، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد
- رئیسکارستن، والر (۱۳۸۱)، دموکراسی فرانسوی / مترجم: مریم صفاری، انتشارات آبیز، تهران
- سعیدینا، احمد (۱۳۷۹)، کتاب سبز شهرداری، مدیریت شهری - جلد یازدهم، تهران، انتشارات سازمان های شهرداری های کشور، چاپ اول
- سعیدی رضوانی و کاظمیان (۱۳۸۲)، امکان سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداری ها، سازمان شهرداری های کشور، چاپ ۱.
- شکبیا مقدم (۱۳۷۴)، اداره امور سازمان های محلی و شهرداری، نشر هور، تهران



- شوراهاى اسلامى شهر خرم آباد، (۱۳۸۳)، منشور شوراهاى محلى.
- شيعه، اسماعيل (۱۳۸۲)؛ لزوم تحول مدیریت شهری در ایران، مجله جغرافيا و توسعه، بهار و تابستان ۱۳۸۲
- طاهرخانی، حبيب بالله (۱۳۸۱)، سازوکار نظام‌هاى برنامه ریزی و مدیریت شهری در برنامه ریزی و مدیریت شهری، مسائل نظری و چالش‌هاى تجربی. تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌هاى کشور.
- عباسى شکوهی، حمید، (۱۳۷۹)، بررسی نقش و جایگاه شوراهاى اسلامى شهر در ساختار مدیریت شهری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس
- فیضی، طاهره (۱۳۷۴)، مبانی مدیریت دولتی، تهران، دانشگاه پیام نور، چاپ ششم
- کامروا، سيد محمد علی (۱۳۸۵)، مقدمه ای بر شهرسازی معاصر ایران، انتشارات دانشگاه تهران.
- لئوناردوینه ولو (۱۳۶۹)، مترجم: پروانه موجد، تاریخ شهر، شهرهاى اسلامى و اروپایی در قرن وسطی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
- محمدپناه، بهنام، (۱۳۸۹)، تاریخ و ساختار نظام سیاسى فرانسه، نشر سبزان، تهران
- مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری (۱۳۷۴)، نگرشی بر الگوهاى برنامه ریزی شهری در جهان، انگلستان- تهران
- مزینی، منوچهر (۱۳۷۵)، مطالعاتی برای طراحی نظام نوین مدیریت شهری- تهران، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری وزارت کشور.
- مقیمی، سيدمحمد (۱۳۸۲)؛ اداره امور حکومت‌هاى محلی، انتشارات سمت، تهران ۱۳۸۲.
- نجاتی، حسینی، سيد محمود (۱۳۷۹)، پارادایم جدید مدیریت شهری - در فصلنامه مدیریت شهری، شماره اول، بهار
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۳)، سیاست و حکومت در اروپا (انگلستان، فرانسه، آلمان و ایتالیا)، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران
- نوائی، حسین (۱۳۸۲)، ارائه الگوی مناسب تقسیمات شهری بر اساس مدیریت یکپارچه (مطالعه موردی مشهد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس
- هاشمی، سيدمناف و رفیعیان، مجتبی و حسین‌پور، سيدعلی (۱۳۹۰)؛ سیاست‌هاى مدیریت شهری در کشورهاى مختلف: رویکرد راهبردی- فراتحلیلی- یکپارچگی شهری، انتشارات طحان/ هله، تهران ۱۳۹۰.
- وب سایت رسمی وزارت کشور جمهوری اسلامى ایران، مجموعه قوانین شورای اسلامى شهر و روستا، قابل دسترسی در تاريخى <http://www.moi.ir> به آدرس تارنمای: ۱۳۹۴/۲/۱۲
- وبر، ماکس (۱۳۶۹)، مترجم: شیوا کاویانی - شهر در گذر زمان - تهران، شرکت سهامی انتشار.
- وزارت کشور (۱۳۸۱)، اصلاح لایحه قانون شوراها.
- يوسف پور، وحید، (۱۳۹۰)، نقش ناحیه محوری در بهبود مدیریت شهری مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، گروه جغرافیا، استاد راهنما: محمدرحیم رهنما
- Conseil Regional il-de-France,(۲۰۰۴) “SCCCSSSSS SDDMINISTTTT VV L RGGION IL- DE-FRNNC”” wwwcccaaii fffiiiiii i arrrr iinccc-reg.pdf
- Lefever, Christian(۲۰۰۳)”Passs-ile-de-rracce Regi”” iiiiii iiiii iii rrrr ppiiii iia eeee aaacce a Spatial Planing Book, Spon Press, London and Newyork.
- www.urbanmanagement.ir